**

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه - احکام تخلی جلسه اول – 23/6/1400

( فصل فی احکام التخلی - دلائل وجوب ستر عورت - اقسام روایات در این زمینه - نظر استاد )

فصل فی احکام التخلی ، مساله یک : ستر عورت از دید افراد واجب است که اگر کسی را در هنگام تخلی می بینند واجب است جایی بشیند که ستر عورت باشد:

امر اول : دلیل وجوب ستر عورت در حال تخلی چیست ؟ سه دلیل است : اول اجماع محصل و منقول و ضرورت دین است که از فقها و کتب آنها تحصیل شده که همه می گویند ستر عورت از بیننده محترم واجب است ضمن اینکه از برخی علما مثل شیخ طوسی اجماع نقل شده و در برخی از مسائل شرعیه وقتی مراجعه می کنیم ستر عورت را از ضروریات دانسته اند

دلیل دوم : قرآن است ، در مرسله صدوق از قول امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۳۰ سوره نور که قل المومنین یغضوا ابصارهم که منظور از یغضوا و غض در همه آیات یعنی زنا است که حرام است اما دراین آیه منظور حرمت نگاه به عورت دیگران است که محرم نیستند ، وسئل الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل: (قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم) فقال كل ما كان في كتاب الله من ذكر حفظ الفرج فهو من الزنا إلا في هذا الموضع فإنه للحفظ من أن ينظر إليه.

روایت دیگر از امیر المومنین علیه السلام ، علي بن الحسين المرتضى في رسالة (المحكم والمتشابه) نقلا من تفسير النعماني بسنده الآتي عن علي عليه السلام في قوله عز وجل: (قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم) معناه لا ينظر أحدكم إلى فرج أخيه المؤمن، أو يمكنه من النظر إلى فرجه، ثم قال: (قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن ويحفظن فروجهن) أي ممن يلحقهن النظر كما جاء في حفظ الفروج، فالنظر سبب إيقاع الفعلي من الزنا وغيره. وسائل الشیعه ج ۱ص ۲۱۱ و ۲۱۲ ح ۳و ۵

حال از تفسیر امام صادق و امیر المومنین علیهما السلام استفاده می شود که حفظ عورت از هر جهت و حالی واجب است و این یک امر عقلایی است که لذت بردن از نگاه هم می باشد

إن قلت : هر دو روایت فوق مرسله است و ارسال مانع استفاده از حدیث است

قلت : ارسال در این مساله مانع از استناد نیست چون ثابت شد که یک امر عقلایی است و امام علیه السلام همین امر عقلایی را بیان کردند

دلیل سوم : سنت است که روایات وجوب ستر چند دسته اند : یک : سند ضعیف اما دلالت روشن است ، د‌وم : دلالت قاصر است و حد دلالت این است که اعانه بر اثم می شود ، سوم : برخی لفظ کراهت دارد که بدون ستر عورت تخلی شود ، چهارم : برخی نهی از تخلی بدون ستر دارد

نظر استاد : هیچکدام از اینها مضر به استنباط نیست چون کراهت در اصطلاح ائمه علیهم السلام مبغوضیت است و کراهت مصطلح نیست در بحث اوانی بحث شد که مبغوضیت مساوی با حرمت است که لازم اخص و لا ینفک آن حرمت است

اما دلالت اعانه بر اثم نقض هایی دارد که اگر بچه یا دیوانه عورت کسی را ببیند اعانه بر اثم نیست لذا اگر در جایی اعانه بر اثم صدق کند دلیل نمی شود که دلالت حدیث محدود شود لذا باید دلالت حدیث را توسعه داد و حکم اولیه حدیث که حرمت است را باید حفظ کرد و محدود بر اعانه اثم نشود